

## نگاهی دوباره به «خون شقایق» در شعر حافظ (با تکیه بر تصویر گل کره دُز در گویش و ادبیات جنوب)

\*حسین سلیمی<sup>۱</sup> - یعقوب فولادی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه:

[hsalimi@pgu.ac.ir](mailto:hsalimi@pgu.ac.ir)

۲. دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	نخستین گام برای فهم عبارت‌ها و بیت‌ها در متون، پی بردن به معنی یا معانی صحیح و دقیق واژه‌ها و ترکیب‌های به‌کاررفته در آنها است. «خون شقایق» یکی از این ترکیب‌ها در شعر حافظ است که از چشم حافظ‌پژوهان و شارحان دیوان حافظ نادیده مانده است. در این جستار پس از نگاهی به چند شرح و توضیح از دیوان حافظ بر این اصطلاح و بیتهایی که در آن به‌کاررفته؛ معنی آن را بیان کرده و نشان داده است که حافظ با توجه به معنی اولیه آن، تصویر آفرینی در بیت مورد نظرش را ساخته است. باید توجه داشت از آنجا که حافظ در سرزمین فارس زندگی می‌کرده است، بسیاری از تصویرهای هنری شعر خود را بر پایه باورها و اعتقادات و نیز موضوعات مربوط به زندگی مردم همین سرزمین بنا می‌نهد. به‌طوری‌که می‌توان بسیاری از واژه‌ها، اصطلاحات، باورها و اعتقادات زندگی جنوب کشور و به‌ویژه شیراز و پیرامون آن را از شعر و سخن او استخراج کرده و مورد بررسی قرار داد. گل کره دُزد عنوان گل شقایق در جنوب بویژه فارس و بوشهر است که دستمایه تصویرهایی هنری در ادبیات عاشقانه شفاهی شده است. تصویرهایی که یادآور تصویر حافظ از این گل در غزل خویش است.
مقاله پژوهشی	
تاریخ دریافت:	
۱۴۰۴/۰۷/۱۸	
تاریخ پذیرش:	
۱۴۰۴/۱۲/۰۳	
واژه‌های کلیدی:	
حافظ	
غزل	
خون شقایق	
گل کره دز	

## ۱. مقدمه

شعر حافظ بی‌گمان، جامع‌ترین شعر در ادبیات فارسی است. شعر و سخنی است که از زاویه‌ها و گوشه‌ها و جنبه‌های مختلف و از منظرهای متفاوت می‌توان به آن نگریست و هر بار به منظره و منظری نو و جدید دست یافت. هر خواننده‌ای که با شعر حافظ روبرو می‌شود و آن را به مطالعه می‌گیرد، متناسب با نوع و سطح بینش و دیدگاهی که دارد، خویشتن خویش را در آینه آن بازمی‌یابد و انس و الفتی با سخن و شخصیت حافظ پیدا می‌کند.

درست به همین دلیل است که هر بیت حافظ و هر غزل حافظ، از انعطاف‌پذیری شگرفی در برابر برداشت‌های مخاطبان خود برخوردار است. همین کشف و دریافت‌های آنی و لحظه‌ای از متن شعر حافظ، نه‌تنها موجب ماندگاری و جاودانگی سخن او شده است، بلکه او و سخن او را جامع‌ترین شعر در زبان و ادبیات فارسی معرفی کرده است.

درباره بسیاری از ابیات حافظ، نظرات و دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی از سوی پژوهش‌گران و محققان مطرح شده و هرکدام از این دیدگاه‌ها که در جای خود درست و منطقی است، نکته‌هایی مهم و البته پنهان را در سخن او کشف و اثبات می‌کند. به همین دلیل «هیچ‌گاه نباید پنداشت که بیت حافظ بیت ساده‌ای است و در آن نکته‌ای مطرح نیست. او با شگردهای گوناگون چون ایهام، جناس تام یا تصرف در تلمیح معمولاً دقیقه‌ای را پیش می‌کشد» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۵) و چنان‌که گفته شد نخستین گام برای فهم متن پی بردن به معنی واژگان و ترکیب‌های آنهاست. چنانچه این مرحله به‌درستی صورت نپذیرد، دریافت معنی شعرها و عبارتها یا حل کردن مشکلات آنها ممکن نیست. توجه به معنی واژه‌ها و ترکیب‌ها در تصحیح یا شرح متن نیز از جمله نخستین و مهم‌ترین مرحله‌ها به شمار می‌رود. یکی از بیت‌های مشهور و بحث‌برانگیز حافظ بیت زیر است:

بر برگ گل به خون شقایق نوشته‌اند  
کانکس که پخته شد، می چون ارغوان گرفت  
(حافظ، بی تا: ۶۰)

در مورد این بیت شگرف و زیبا، معانی، دیدگاه‌ها و تفسیرهای مختلفی از در کتاب و مقالات نوشته شده توسط صاحب‌نظران مطرح شده است. با اینهمه علیرغم اینکه به معانی زیبا و درستی اشاره کرده‌اند، ذکر یک یک نکته در مورد گل شقایق را نادیده گرفته و یا به آن دست نیافته‌اند. باید توجه داشت از آنجا که حافظ در سرزمین فارس زندگی می‌کرده است، بسیاری از تصویرهای هنری شعر خود را بر پایه باورها و اعتقادات و نیز موضوعات مربوط به زندگی مردم همین سرزمین بنا می‌نهد. به‌طوری‌که می‌توان بسیاری از واژه‌ها، اصطلاحات،

باورها و اعتقادات زندگی جنوب کشور و به‌ویژه شیراز و پیرامون آن را از شعر و سخن او استخراج کرده و مورد بررسی قرارداد.

### ۱-۱. بیان مساله و سوالات پژوهش

نخستین گام برای فهم عبارت‌ها و بیت‌ها در متون، پی بردن به معنی یا معانی صحیح و دقیق واژه‌ها و ترکیب‌های به‌کاررفته در آنها است. «خون شقایق» یکی از این ترکیب‌ها در شعر حافظ است که از چشم حافظ‌پژوهان و شارحان دیوان حافظ نادیده مانده است. در این جستار پس از نگاهی به چند شرح و توضیح از دیوان حافظ بر این اصطلاح و بیتی که در آن به‌کار رفته؛ معنی آن را بیان و نشان داده که حافظ با توجه به معنی اولیه آن، تصویر آفرینی در بیت مورد نظرش را ساخته است. باید توجه داشت از آنجا که حافظ در سرزمین فارس زندگی می‌کرده، بسیاری از تصویرهای هنری شعر خود را بر پایه باورها و اعتقادات و نیز موضوعات مربوط به زندگی مردم همین سرزمین بنا می‌نهد. به‌طوری‌که می‌توان بسیاری از واژه‌ها، اصطلاحات، باورها و اعتقادات زندگی جنوب کشور و به‌ویژه شیراز و پیرامون آن را از شعر و سخن او استخراج کرده و مورد بررسی قرارداد. گل کره دزد عنوان گل شقایق در جنوب بویژه فارس و بوشهر است که دستمایه تصویرهایی هنری در ادبیات عاشقانه شفاهی شده است. تصویرهایی که یادآور تصویر حافظ از این گل در غزل خویش است. این پژوهش با توجه به ویژگی چند لایگی شعر حافظ و نیز با در نظر داشتن شرایط محیطی و تاریخی زندگی حافظ، ترکیب «خون شقایق» را در ارتباط با باورهای عامیانه جنوب و به ویژه استان فارس مورد واکاوی قرار داده و با نگاهی متفاوت از آنچه تا کنون در مورد آن نوشته اند، به نتیجه‌ای متفاوت دست یافته است. سوال اساسی پژوهش آن است که آیا حافظ در استفاده از ترکیب «خون شقایق»، به باور عمومی مردم در مورد گل شقایق توجه داشته است؟

### ۲-۱. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

شعر حافظ، رازآمیزترین و هنری‌ترین شعر در زبان فارسی است. با پرداختن به آن از زاویه‌ها و زمینه‌های متفاوت، می‌توان به کشف لایه‌های معنایی و هنری جدیدی دست یافت که گوشه‌ای از فرهنگ و ادبیات و تاریخ این مرز و مردم را به نمایش می‌گذارد. از دلایل مهم اهمیت شعر حافظ، بهره‌گیری او از فرهنگ عامه و باورها و اعتقادات مردمی است که در این سرزمین می‌زیسته‌اند. با توجه به این موضوع، چنین پژوهش‌هایی می‌تواند خوانندگان را با گوشه‌هایی نو و جدید از ارزش محتوایی و هنری شعر حافظ آشنا سازد.

## ۱-۳. پیشینه پژوهش

حافظ پژوهان و شارحان درک و دریافت‌های گوناگونی در مورد این بیت داشته و در عین حال معنی ترکیب «خون شقایق» را عرضه نداشته‌اند. در زیر به چند شرح و توضیح از این بیت نظر می‌افکنیم:

سودی در تفسیر این بیت می‌گوید: «خواجه ادعا می‌کند که سرخی برگ گل ذاتی نیست، بلکه در اثر خون شقایق است که مضمون مصراع ثانی را روی برگ گل نوشته‌اند پس سرخی برگ گل از آن است، مضمون این است: آن کس که پخته رای و مجرب روزگار شد، باده قرمز نوش کرد؛ یعنی نوشیدن باده قرمز یک امر ذوقی است و لذت بخش و یک شخص مجرب نباید این ذوق را ترک کند.» (سودی بسنوی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۴۳)

ختمی لاهوری این شرح عرفانی را بر بیت دارد: «بدان که از رنگینی ظاهری و باطنی گل، مفهوم هر دانا می‌شود که باده محبت الهی مثل گل باید خورد که ظاهر و باطن از تجرع و می محبت، رنگین و لبریز گردد و هیچ کس گمان نبرد که می خورده است؛ زیرا گل هر چند ظاهراً و باطناً رنگین شده است، اما هیچ کس اتهام می‌خوری بدو نکند. عارف شیرازی در این بیت، فایده دیگر به طالب سالک افاده می‌فرماید و می‌گوید که بر صفحه برگ گل ارغوان محضری به خون شهیدان باغ نوشته‌اند؛ بدین مضمون که آن کس که پخته شد و از خامی مزاج برآمد، از می محبت مثل گل ارغوان گرفت و اصلاً دامن او آلوده می‌خوری نشد.» (ختمی لاهوری، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۹۱)

بهاء‌الدین خرمشاهی در حافظ‌نامه این نظر را مطرح کرده است: «با حسن تعلیل از رنگ سرخ سیر و سوختگی یا داغ شقایق، به پختگی تعبیر کرده، می‌گوید زبان حال شقایق که همانند جام شراب و گویی همواره پیاله گیر است، این است که چاره خامی‌ها و ندانم‌کاری‌ها باده‌پیمایی است.» (خرمشاهی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۲۵)

خطیب رهبر نیز همان معنی ظاهری بیت را به دست داده است: «با خون سرخ شقایق بر ورق لطیف گل رقم‌زده‌اند که کارآموزده و تجربه‌آموخته کسی است که باده ارغوانی نوشد و غم نخورد.» (خطیب رهبر، ۱۳۹۹: ۱۲۲) انوری در مورد اصطلاح «خون شقایق» می‌گوید «ظاهراً رگه‌هایی که در گلبرگ گل سرخ کشیده شده» و سپس در تعبیر بیت می‌افزاید «ظاهراً گل» [گل سرخ] در مقابل شقایق که رمز محرومیت است، رمز خوشباشی و لذت‌جویی است. اگر با چشم عبرت در گل سرخ و شقایق بنگرند، رگه‌های گلبرگ گل سرخ را که به رنگ شقایق است، همچون نوشته‌ای خواهند دید که در آن نقش بسته است. نیز گفتنی است

که گل و شقایق هر دو کوتاه زندگانی هستند از این رو شاعر ناپایداری عمر را نیز در نظر داشته و آن را در مقابل اغتنام فرصت نهاده است.» (انوری، ۱۳۸۹: ۲۲۰)

حمیدیان در شرح شوق پس از توضیح در مورد «شقایق» و فرق آن با «لاله» می‌گوید: «در باره تصویر موجود در بیت حافظ ناگزیر از توجه به برخی نکات هستیم. احتمال می‌رود در مورد سه نوع گل مذکور سه درجه مختلف از سرخی لحاظ شده باشد، به ترتیب:

گل [گل سرخ ورد، گل محمدی، رُز] [رنگ صورتی، شقایق با سرخی خون‌رنگ و بالاخره ارغوان با سرخی سیر یا خمری (شرابی)]. حال اگر گل را به رنگی سیرتر از صورتی بگیریم این مشکل پیش می‌آید که خط خون‌رنگ بر زمینه مشابه یا نزدیک به آن قابل خواندن نیست، مگر اینکه فرضاً استناد به برخی خطوط رمزی شود که به قصد پوشیدن آن از اغیار به همین شیوه نگاشته و به وسایل و طرق مختلف خوانده می‌شود که باری بعید می‌نماید.» (حمیدیان، ۱۳۹۲، ج ۲: ۷-۱۵۹۶)

اسلامی ندوشن در کتاب تأمل در حافظ که شرح هفتاد غزل از حافظ پرداخته است، ذیل این بیت توضیحاتی مفید داده است باین‌همه به ترکیب خون شقایق اشاره‌ای نشده و همچنان مبهم مانده است. ندوشن می‌نویسد: شقایق (لاله) گل شهید است، زیرا خونین کفن است. (با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم - که شهیدان که اند این همه خونین کفن) از این‌روست که با خون او بر گل نوشته می‌شده است. عمل نوشتن یعنی اعتبار بخشیدن به کلام. حرفی که برجایی نگاشته یا نقر شد، نشانه آن است که به‌عنوان یک اصل مسلم باید پذیرفت... (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۲: ۱۵۴)

شیرازی در مطلبی با عنوان خون شقایق در مجله کیهان فرهنگی مطالبی را به‌عنوان یک گیاه‌شناس، در مورد گل شقایق و رنگ سرخ گلبرگ‌های آن می‌نویسد که اندکی از مشکل معنایی بیت را حل می‌کند. باین‌همه به مطلب اصلی و درست و به باور و اعتقاد عمومی مردم جنوب در مورد خون شقایق اشاره نمی‌کند. (ر.ک: شیرازی، ۱۳۸۶: ش ۴۶-۴۷)

## ۲. خون شقایق در شعر حافظ

در هیچ‌کدام از شرح‌ها و توضیحاتی که از نظر گذرانده شد (و تا جایی که نگارنده دیگر شرح‌ها را دیده است)؛ به معنی ترکیب «خون شقایق» در این بیت نپرداخته‌اند که این ترکیب چیست و حافظ چرا آن را در اینجا به‌کار برده است. در صورتی که حافظ هیچ‌وقت واژه، ترکیب یا اصطلاحی را اتفاقی و دم دستی در بافت سخن و شعرش به کار نمی‌گیرد؛ بلکه با زیرکی و هوشیاری تمام واژه‌ها و ترکیب‌ها را چینش می‌کند که در بسیاری از آنها معنای اولیه را در نظر داشته است؛ همچون «زلف شکستن» در بیت:

گفتمش زلف به خون که شکستی؟ گفتا حافظ، این قصه دراز است به قرآن که می‌رس (حافظ، بی تا: ۱۸۴)

که به معنی تا کردن و خم دادن و حلقه کردن زلف است (زلف مجعد مستحسن بود) و مجازاً آرایش کردن است و مرسوم‌ترین آرایش نیز خضاب بستن (حنا نهادن) بود که رنگ موحنایی و بعد سرخ و بعد سیاه می‌شد که مو با حنا هم رنگ می‌گرفت و هم نرم می‌شد و می‌توانستند به آن خم (جعد) بدهند؛ اما در بیت حافظ به جای خضاب و حنا، «خون» آمده است، زلف را به خون چه کسی شکستی یعنی خضاب کردی، سرخ کردی و آرایش کردی؟ (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۵۹). یا در بیت:

به بزمگاه چمن دوش مست بگذشتم چو از دهان توأم غنچه در گمان انداخت (حافظ، بی تا: ۱۳)

که «چمن» به آن قسمت باغ می‌گفتند که در آن گل کاشته بودند و به آنچه ما امروزه چمن می‌گوییم، مرغ و مرغزار می‌گفتند. باری بزم و مهمانی را در چمن باغ می‌دادند یعنی آن قسمتی که پر از گل و سبزه بود، لذا حافظ بزمگاه چمن گفته است. (شمیسا، ۱۳۸۸: ۳۱۹) در مورد ترکیب و اصطلاح «خون شقایق» نیز در بیت:

بر برگ گل به خون شقایق نوشته‌اند کانکس که پخته شد، می چون آرغوان گرفت نخست باید به معنی این ترکیب دست بیابیم و سپس آن را در بافت شعر و تحلیل و تفسیر در نظام ثانویه به کار ببریم. در این رابطه باید گفت گلبرگ‌های ظریف شقایق سرخ‌رنگ و چرب ناک هستند به طوری که با دست زدن به آنها چربی را حس می‌کنیم و همچنین با کشیدن آنها بر روی دست یا جسمی، اثر رنگ آن نشان داده می‌شود. به همین دلیل در شب‌های مرطوب و نمناک وقتی شب‌نم بر روی گلبرگ‌های شقایق می‌نشیند؛ این شب‌نم‌ها با برخورد به گلبرگ‌ها تبدیل به قطره آب صورتی و سرخ کم‌رنگ چربی می‌شوند که زیر گل شقایق می‌ریزند و وقتی صبح به این گل‌ها نگاه کنی، می‌بینی که زمین زیر آنها لکه لکه سرخ و رنگی شده است. در جنوب کشور، (استان بوشهر و شاید در برخی مناطق استان فارس) اصطلاح خون شقایق (به گویش عمومی خین کره دزد) هنوز رواج دارد و مردمانی که اصالت زبان و گویش خود را حفظ کرده‌اند از شب‌نم‌های سرخ ریخته شده در پای گل شقایق با عنوان خین کره دز یاد می‌کنند. (کره دز یا کره دزد عنوان گل شقایق در اصطلاح مردم جنوب است). بیت‌هایی نیز به صورت شفاهی در میان مردم برخی مناطق استان بوشهر (و شاید در مناطق دیگر جنوب) وجود دارد که به صورت لالایی و یا در مجالس شادی و یا اندوه خوانده می‌شود که ترکیب یا مضمون خون شقایق (خین کره دزد) در آنها وجود دارد. نمونه را می‌توان

به این دو بیت اشاره نمود که اگرچه در منابع مکتوب وجود نداشته و ثبت نشده است با این‌همه مثل بسیاری از بیت‌های عامیانه که گوینده مشخصی ندارند اما به‌صورت شفاهی در میان مردم وجود دارد:

بهار آمد کُنم یاد نگارم      سرکوی بلند آهو چرانم  
به یادم آوره خین کره دُر      خضاب ناخن انگشت یارم

یا این بیت که قطره‌های شب‌نم که با آمیزش با رنگ گلبرگ‌های گل شقایق قرمز شده است را به اشک عاشق تشبیه می‌کند:

گل کره دُر تو با من همدمی کن      مرا تا منزل او هم‌رهی کن  
تو هم چشمت میریزه اشک خونی      بیا فکری به حال این رهی کن<sup>۲</sup>

در دوبیتی شفاهی زیر تصویر زیبایی از عاشق دور از یار دیده می‌شود که خود را با گل‌های کره دز (همان گل شقایق در گویش جنوب) مقایسه کرده است. گل‌هایی که کشته و شهید در راه عشق و معشوق خویش‌اند.

بیابان سر به سر خونی است امروز      دلم دور از ول<sup>۳</sup> جونی است امروز  
گلی کره دز<sup>۴</sup> شما گشته که هستید؟      که سرتا پایتان خونی است امروز  
«حتی گرزهای دانه بوته‌های خشک شقایق نیز وقتی خیس می‌شوند و آب به آنها می‌رسد، این خاصیت رنگ پس دادن را دارند؛ به‌نوعی که لباسی را که به آنها برخورد کند، سرخ می‌کند.» (ر.ک شیرازی، ۱۳۸۶: ۸-۵۷)

به‌احتمال فراوان و قریب به یقین حافظ چنین تصویری از شقایق را که قطره‌های سرخ و صورتی از آنها چکیده و زیر آنها را سرخ کرده در ذهن داشته و به «خون شقایق» تعبیر کرده است و سپس در این بیت با آن مضمون‌آفرینی و تصویر آفرینی کرده است.

### ۳. نتیجه‌گیری

شعر حافظ رمز‌آمیزترین و رمز‌آمیزترین شعر در ادبیات فارسی است. شعری است که در برخورد با آن باید با احتیاط برخورد کرد و به معانی دریافت شده در همان بررسی نخست نباید اکتفا نمود. هر بیت حافظ، منشوری است که از زاویه‌های گوناگون، چشم‌اندازهای متفاوتی را پیش چشم مخاطب می‌آفریند. درست به همین دلیل است که هیچ‌گاه نمی‌توان در مورد لایه‌های زبانی و محتوایی شعر حافظ به نتایج قطعی دست یافت. اوج انعطاف‌پذیری هنری را باید در سخن او جست و همین انعطاف‌پذیری، سخن او را تا سطح درک همه اقشار جامعه ادبی پیش می‌برد. ترکیب خون شقایق در بیت:

بر برگ گل به خون شقایق نوشته‌اند      کان کس که پخته شد می چون ارغوان گرفت

از مواردی است که از نظر پژوهشگران و صاحب‌نظران دور مانده است و علیرغم اینکه معانی زیبا و دقیقی را متناسب با نوع نگاه و بینش خویش در مورد محتوای بیت ذکر کرده‌اند با آن‌همه به نکته‌های دیگری که در مورد این ترکیب وجود داشته اشاره ننموده‌اند.

در این مقاله به باورها و اعتقادات مردم جنوب (به‌ویژه استان بوشهر و فارس) در مورد گل شقایق (گل کره دزد) و خون آن اشاره شده است. نکته‌هایی که بی‌گمان حافظ نیز در خلق تصویر بیت خویش به آنها نظر داشته است و آنها را در خدمت تصویر آفرینی شعر خود قرار داده است.

پی‌نوشت:

۱. به دلیل همین چربی گلبرگ‌ها است که در استان فارس و بوشهر به این گل «کره‌دز = کره دزد» می‌گویند.
۲. این بیت‌ها به‌صورت شفاهی در میان مردم منطقه جم و ریز و برخی مناطق دیگر استان بوشهر شنیده می‌شود هرچند در منابع مکتوب ثبت نشده‌اند. شاید ابیاتی دیگر نیز باشند که دست یافتن به آنها نیازمند تحقیقی میدانی است.
۳. ول در گویش محلی جنوب به معنی یار و دلداری است.
۴. گل‌های کره دزد به معنی گل‌های شقایق است.

### کتاب‌شناسی

انوری، حسن (۱۳۸۹)، *صدای سخن عشق*، گزیده غزل‌های حافظ، تهران: سخن.  
حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (بی‌تا)، *دیوان*، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار.  
حمیدیان، سعید (۱۳۹۲)، *شرح شوق*، جلد ۲، تهران: قطره.

ختمی لاهوری، ابوالحسن عبدالرحمان (۱۳۹۲)، *شرح عرفانی غزل‌های حافظ*، تصحیح و *تعلیقات*: بهاء‌الدین - - خرمشاهی، کوروش منصوری و حسین مطیعی امین، جلد ۱، تهران: قطره.

خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۷)، *حافظ‌نامه*، بخش اول، تهران: علمی و فرهنگی.  
خطیب رهبر، خلیل (۱۳۹۹)، *دیوان غزلیات حافظ*، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران: صفی‌علیشاه.

سودی بسنوی، محمد (۱۳۸۹)، *شرح سودی بر حافظ*، ترجمه عصمت ستار زاده، جلد ۱، تهران: نگاه.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۸)، *یادداشت‌های حافظ*، تهران: علمی.

شیرازی، محمدحسین (۱۳۸۶)، *خون شقایق*، کیهان فرهنگی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۲۴۷-  
۲۴۶، صص ۸-۵۶

## A Revisit of “The Blood of Poppies” in Hafez’s Poetry (Based on the Image of the Cornflower in Southern Dialect and Literature)

\*Hossein Salimi<sup>1</sup>- Yaqub Foladi<sup>2</sup>

- <sup>1</sup>. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran. (Corresponding author) Email: [hsalimi@pgu.ac.ir](mailto:hsalimi@pgu.ac.ir)
- <sup>2</sup>. PhD in Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, Iran.

---

---

### Article Info

### ABSTRACT

**Article type:** Research Article  
The first step in understanding phrases and verses in texts is to understand the correct and precise meaning or meanings

---

---

**Article  
history:**Received:  
۰۳/۱۲/۲۰۲۵Accepted:  
22/۰۲/۲۰۲۶**Keywords:**Hafez  
ghazal  
blood of  
poppy  
Gol-e-Kare-  
Dozd.

of the words and combinations used in them. “The Blood of Poppies” is one of these combinations in Hafez’s poetry that has been overlooked by Hafez scholars and commentators of Hafez’s Divan. In this article, after looking at several explanations and explanations from Hafez’s Divan on this term and the verse in which it is used; its meaning is explained and it is shown that Hafez, considering its primary meaning, created an image in the verse he intended. It should be noted that since Hafez lived in the land of Persia, he based many of the artistic images of his poetry on the beliefs and convictions as well as topics related to the lives of the people of this land. So that many words, terms, beliefs and convictions of the life of the south of the country, especially Shiraz and its surroundings, can be extracted and examined from his poetry and speech. Gol-e-Kare-Dozd is the name of the poppy flower in the south, especially Fars and Bushehr, which has become the subject of artistic images in oral romantic literature. Images that are reminiscent of Hafez’s image of this flower in his ghazal.